# جایگاه عملیات بیت المقدس در استراتژی جنگ

حسین سلامی*

**نخلستان های خرمشهر در سکوتی خوشایند تجربه حیات را مبادله می کردند، نسیمی از سمت اروند هر صبحگاه زلف نخل ها را شانه می زد و کارون با همه غرورش سر در آغوش خرمشهر فرو می برد.**
**دشت هر چند بر اثر هرم گرما، پیشانی چروک کرده بود اما خنده از لبانش می بارید و بر مرزدارانی که هر صبح به دیدارش می آمدند فخر می فروخت.**
**خرمشهر سیراب از شهد نخلستان ها با نوای هر اذان به نماز می ایستاد وگلدسته هایش تا خدا اوج داشت. در خیابان هایش سیل زندگی جاری بود و... ناگهان نعره گلوله های متجاوز، سکوت نخلستان ها را بر هم زد، قامت گلدسته های شهر را شکست، خیابان ها رنگ خون گرفت و پوتین متجاوز بر نقشه شهر، لکه ای بزرگ انداخت. پیران قد خمیده که در داغ فرزندان، خمیده‌تر شده بودند مجبور به ترک خانه و کاشانه شدند.**
**و خرمشهر، خونین شهر شد.**
**اما طنین نعره مستانه حرامیان در خانه های خرمشهر، دیری نپایید و بغض های فروخفته در اراده ای مصمم گرد آمد و مسافران گمنام از هر سو، عزم شهر آسمانی کردند و در یک همایش غیرت، فصل درخشانی بر تاریخ این مرز و بوم افزودند و به قهرمانان قادسیه، درس بزرگی دادند.**
**....این گونه بود که خونین شهر، بار دگر خرمشهر شد و مغرور و سربلند از غیرت جوانان میهن، سر به آسمان می ساید و شهره محافل عزت و غیرت و شرف است. هرچند داغ لاله های پرپرش بر دل ها سنگینی می کند.**

یکی از بزرگترین حوادث تاریخ معاصر کشور و یکی از عظیم‌ترین رخدادهای تاریخ انقلاب اسلامی، دفاع مقدس هشت ساله ملت ایران است که این حادثه نماد و متبلور صف‌آرایی سازمان یافته و تهاجمی قدرت های بزرگ استکباری دوران جنگ سرد و قدرت های منطقه ای آن دوران علیه انقلاب اسلامی است. جنگ تحمیلی استثنایی ترین جنگ در عصر جهان دو قطبی بود، زیرا در آن دوران همه جنگ های منطقه ای به صورت نیابتی انجام می گرفتند. به این معنی که جنگ های منطقه ای، مقیاس کوچکی از رویارویی دو ابرقدرت بود که به صورت کنترل شده در یک منطقه صورت می گرفت و در چارچوب برخورد و تضاد منافع و استراتژی دو ابرقدرت انجام می شد. در واقع جنگ های منطقه ای دوران پس از جنگ جهانی دوم تا فروپاشی اتحاد شوروی، تماماً جلوه ای از رویارویی دو قدرت بزرگ آمریکا و شوروی بود که از سوی کشورهای اقماری آنان انجام می شد، مثل جنگ های دو کره، جنگ ویتنام، جنگ های هند و پاکستان و... اما جنگ تحمیلی تنها جنگی بود که در آن دو ابرقدرت در یک جبهه واحد و در یک طرف مخاصمه به صورت همگرا عمل می کردند. بنابراین دفاع مقدس، یکی از سخت ترین آزمون های ملت ایران است که میانگین مقاومت ملت ایران را در یک جنگ بزرگ که ظاهر آن منطقه ای ولی واقعیت آن بین المللی است، نشان می دهد.

یکی از فرازهای زیبا و دلنشین و نقاط عطف مهم و بلکه مهم ترین نقطه عطف استراتژی جمهوری اسلامی در دفاع مقدس فتح خرمشهر یا عملیات بیت المقدس است. عملیات بیت المقدس در واقع آخرین حلقه از استراتژی آزادسازی سرزمین های اشغالی کشور بود که به تأمین تمامیت ارضی کشور انجامید و علاوه بر آن مهم ترین منطقه استراتژیک جنگ را از اشغال دشمن آزاد ساخت و جمهوری اسلامی ایران را در موضعی کاملاً برتر قرار داد.

اهمیت، ارزش و دستاوردهای استراتژیک این عملیات به این صورت است:

۱- منطقه عملیات، منطقه ای بود که دشمن به خاطر آن تهاجم خود را به جمهوری اسلامی آغاز کرده بود و در واقع کلید فتح استراتژیک عراق در جنگ و مرکز ثقل و محور ادعاهای رژیم عراق محسوب می شد.

> جنگ صحنه ظهور و ارزیابی میزان مقاومت یک ملت است و درک دولت ها و قدرت های خارجی از برخورد یک ملت با پدیده جنگ به صورت یک عبرت تاریخی در نحوه برخورد آنها با آن ملت تأثیر خواهد گذاشت

۲- وسعت این عملیات در مقایسه با تمام عملیات دفاع مقدس بزرگتر بوده و بیشترین مساحت سرزمین های اشغالی در این عملیات آزاد شد.

۳- بیشترین تعداد اسرای جنگی دشمن در این منطقه به اسارت جمهوری اسلامی ایران درآمد.

۴- از نظر تاکتیکی عملیات بزرگ عبور از رودخانه توأم با غافلگیری در آن انجام شد.

۵- با انجام عملیات بیت المقدس دومین شهر عراق یعنی بصره در تیررس توپخانه جمهوری اسلامی قرار گرفت و استراتژیک ترین منطقه عراق یعنی استان بصره در معرض مخاطره جدی قرار گرفت.

۶- فاصله کم نخستین مرحله از این عملیات با عملیات بزرگ قبل از آن یعنی فتح المبین نشان داد که جمهوری اسلامی به نرخ رشد بالایی در قدرت نظامی آفندی رسیده و این آهنگ بالا و دور تک سریع در چنین مقیاسی علامت سؤال بزرگی را در مقابل بقای رژیم عراق قرار داد.

۷- این عملیات یکی از نقاط اوج هماهنگی و وحدت و تلاش میان ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود و در آن نیروهای بسیج مردمی نقش محوری و کلیدی را ایفا کردند.

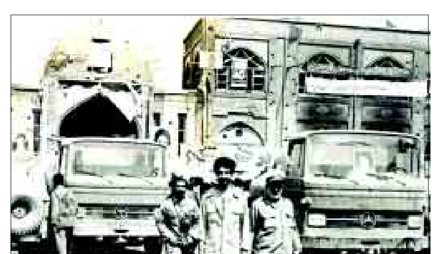

در پایان جا دارد که از رشادت ها و فداکاری ها و خلاقیت های سپهبد شهید صیاد شیرازی که فرماندهی نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران را در این عملیات به عهده داشت تجلیل شود.

**چرا جنگ پس از فتح خرمشهر ادامه یافت؟!**

در مورد ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر معمولاً یک سؤال مطرح است که چرا جنگ پس از فتح خرمشهر باز هم ادامه یافت؟ یک سنت تاریخی وجود دارد که همواره پس از خاتمه یک حادثه به دلیل روشن بدون نتایج و عواقب آن سؤال هایی مطرح می شود که پاسخ به آنها در زمان وقوع حادثه مشکل است، اما پس از خاتمه آن سؤال های آسان به ذهن رسوخ می کنند. در مورد ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر نیز همین گونه است. در این زمینه باید اشاره کرد که:

پس از خاتمه عملیات بیت المقدس، جمهوری اسلامی ایران در برتری چشمگیری از قدرت رزمی نسبت به عراق بود. آهنگ دور عملیات، فاصله زمانی کوتاه میان آنها، مقیاس وسیع عملیات و موفقیت های حاصله از آنها نشان دهنده دورنمای روشن و درخشانی بود که در آن پیش بینی می شد ادامه جنگ به کسب پیروزی های بزرگتری خواهد انجامید. بنابراین منطق سیاسی و دانش نظامی حکم نمی کرد در شرایطی که امکان کسب امتیازات مؤثرتر و پیروزی های وسیع تری در ادامه جنگ وجود دارد به حداقل امتیازات و نتایج به دست آمده اکتفا کرده، همان گونه که عاقلانه نبود در شرایطی که امکان حفظ امتیازات و ارزش های به دست آمده وجود داشت با اصرار در ادامه جنگ به از دست دادن آنها راضی شد.

تصمیم به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر در دومین سال جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال پایان جنگ منطبق با منطق فوق است.

عملیات زنجیره ای ثامن الائمه تا بیت المقدس گرچه پیروزی هایی بزرگ و امتیازات ارزشمندی بودند اما در مقایسه با پیش بینی موفقیت های آتی منطقه پایان جنگ به شمار نمی رفتند، زیرا در خاتمه عملیات بیت المقدس هنوز رژیم عراق و نظام بین المللی فشار جدی و تهدید مؤثری را از سوی ایران احساس نمی کرد و به همین دلیل بود که تا آن هنگام هنوز هیچ قطعنامه ای که متضمن حداقل شرایط ایران برای پایان جنگ باشد به تصویب نرسیده بود.

تأثیر آزادسازی سرزمین های اشغالی، برداشتن فشار روحی و فیزیکی جنگ از ملت ایران و حذف تهدید عراق از جمهوری اسلامی بود و اعمال فشار جدی و مؤثر و تحمیل تهدید عمده بر رژیم عراق، فشارها و تنش های سیاسی، نظامی و روحی هنگامی به دشمن تحمیل می شد که جنگ به خاک عراق کشیده می شد.

توقف ایران در جنگ پس از فتح خرمشهر مخاطرات بالقوه وسیعی را برای ایران به همراه داشت، زیرا با توجه به شخصیت نامطمئن صدام حسین و عدم اعتماد و اطمینان به مواضع سیاسی رژیم بعث و وجود ناپایداری در تصمیم های این رژیم، هیچ چشم انداز روشن و مطمئنی از صلح و مذاکرات مربوط به آن به چشم نمی خورد.

ارتش عراق پس از ضربات متوالی که در عملیات آفندی جمهوری اسلامی ایران دریافت کرده بود، به یک فرصت زمانی نسبتاً طولانی نیاز داشت تا به تجدید و توسعه سازمان رزم خود بپردازد و با استفاده از تجربیات به دست آمده، ساختارهای نظامی آسیب دیده خود را جبران کند و این کار جز از طریق توقف دور عملیات آفندی جمهوری اسلامی با بهره گیری از فریب صلح و مذاکره امکانپذیر نبود. بنابراین عاقلانه نبود در شرایطی که هیچ تضمین سیاسی و عملی بین المللی برای پذیرش شرایط جمهوری اسلامی ایران و دستیابی به صلح پایدار وجود نداشت مجدداً یک فرصت ایده آل و مناسبی را در اختیار دشمن قرار داد تا به اصلاح ساختار، دکترین و استراتژی خود بپردازد و مجدداً به تعادل اولیه بازگردد. تضمینی هم وجود نداشت که پس از طولانی شدن فعل و انفعالات دیپلماتیک در جنگ و بی نتیجه ماندن مذاکرات، مجدداً ارتش سازمان یافته عراق حمله دیگری را علیه ایران انجام ندهد.

> جنگ تحمیلی تنها جنگی بود که در آن دو ابرقدرت در یک جبهه واحد و در یک طرف مخاصمه به صورت همگرا عمل می کردند

در جنگ استراتژی هایی که به پیروزی منجر می شوند، معمولاً خاتمه می یابند، اما استراتژی هایی که به وسیله یک دشمن سرسخت ناکام می مانند و یا به شکست کشیده می شوند، همواره تولید استراتژی های جدیدی می کنند. به عبارت دیگر استراتژی در جنگ ایستا نیست مگر این که هدف نهایی جنگ برای یک طرف حاصل شود. عراق در جنگ به هدف خود نرسیده و استراتژی این کشور دچار شکست و ناکامی عمده شده بود بنابراین با وجود رهبری توسعه طلب رژیم عراق که در آرزوی به دست گرفتن رهبری جهان عرب بود، امکان توقف در آن نقطه بعید به نظر می رسید.

از جنبه روانی، در آن هنگام افکار عمومی و روحیه ملی ملت ایران و نیروهای مسلح آن پذیرای صلح نبود. توقف جنگ در آن زمان یک سؤال و ابهام اساسی را پیش روی ملت ایران قرار می داد و آن این که چرا با وجود امکان پیروزی و تعقیب و تنبیه متجاوز و ضرورت انتقام از رژیم بعث، جنگ متوقف شده و هم جنگ و هم صلح با ابتکار صدام حسین همراه است.

از سوی دیگر جنگ یک میراث فرهنگی و تاریخی ملت است. رفتار هر ملت در جنگ به عنوان یک معیار و شاخص برای نسل های آینده تلقی می گردد. جنگ صحنه ظهور و ارزیابی میزان مقاومت یک ملت است و درک دولت ها و قدرت های خارجی از برخورد یک ملت با پدیده جنگ به صورت یک عبرت تاریخی در نحوه برخورد آنها با آن ملت تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین اعتبار یک ملت و کشور در گرو جنگ است، همان گونه که امام(ره) فرمودند: «عزت و شرف ما در گرو همین جنگ است». ملت و رهبران کشور ایران باید به جهان امروز نشان می دادند که تجاوز به سرزمین ایران پاسخی به مراتب سنگین تر از ضربه ای که این ملت دریافت می کند، به دنبال خواهد داشت و این یک پاسخ تاریخی بود، یعنی پاسخی که نسل های آینده کشور نیز به آن به عنوان یک میراث فرهنگی و اعتقادی و یک یادگار بزرگ ملی نگاه خواهند کرد.

کشوری که دشمنان بالقوه زیادی دارد باید در یک جنگ آنچنان عمل کند که به صورت ضمنی بازدارندگی را در قالب عبرت دیگران به دنبال داشته باشد. پس از فتح خرمشهر جنگ باید براساس این دیدگاه به عنوان عبرت تاریخ ادامه می یافت تا ابعاد و دامنه مقاومت کشور و اصرار رهبران و عزم ملی برای تأمین امنیت و استقلال کشور اثبات شود. جنگ حتی اگر به پیروزی های بزرگ نظامی منجر نمی شد، از آن جهت که نشان دهنده تمایل و اراده ملت برای ادامه بقا و حیات سیاسی مستقل بود، دارای ارزش عقلانی و برخوردار از ویژگی منطقی است.

**نقش قدرت های جهانی و منطقه ای در جنگ**

در ادامه جنگ، عراق از یک دنباله جهانی و منطقه ای برخوردار شد. بویژه هنگامی که جنگ به سرزمین عراق کشیده شد. حمایت قدرت های استکبار جهانی بویژه ایالات متحده آمریکا، اتحاد شوروی، اروپا و کشورهای منطقه از عراق آشکارتر و شدیدتر شد.

آمریکا که تا آن زمان رابطه دیپلماتیک و سیاسی با عراق نداشت بلافاصله روابط سیاسی خود را با عراق در عالی ترین سطح برقرار کرد (در سال ۱۳۶۳) و با اجرای عملیاتی با عنوان استانچ در سال ۶۲ به تحریم تسلیحاتی ایران پرداخت، اطلاعات ماهواره ای از مواضع و گسترش نظامی ج.ا.ا را در اختیار عراق قرار داد، اعتبارات میلیون دلاری از بانک صادرات و واردات در اختیار عراق قرار داد و عراق به بزرگترین خریدار غله و مواد غذایی آمریکا تبدیل شد. آمریکا به حمایت های سیاسی وسیعی در سطح بین المللی از عراق برای انزوای ایران پرداخت. در سال های پایانی جنگ در عملیات مقابله به مثل دریایی به صورت مستقیم در خلیج فارس حضور جدی یافت و با اسکورت کشتی های نفتکش کشورهای حامی عراق در منطقه، نبردهای دریایی عمده ای میان ج.ا.ا و آمریکا روی داد. آمریکا همچنین کشورهای اروپایی و غربی را به حمایت تسلیحاتی و مالی از عراق تشویق کرد. آمریکا به کمک برخی کشورهای غربی زرادخانه های شیمیایی عراق و حتی توان هسته ای این کشور را تقویت کرد.

کشورهای اروپایی بویژه فرانسه به تقویت ماشین نظامی عراق پرداختند و قدرت هوایی این کشور را در سطح وسیعی تقویت کردند.

اتحاد شوروی که متحد استراتژیک عراق از سال ۱۳۵۳ محسوب می شد، به تقویت قدرت هوایی، زرهی، توپخانه و بویژه قدرت موشکی عراق پرداخت و با کمک های مستشاری و سیاسی به عنوان عمق استراتژیک عراق در جنگ عمل کرد. کشورهای عرب منطقه با حمایت های وسیع مالی، اقتصاد جنگی عراق را اداره و تقویت کردند، به گونه ای که بدهی های عراق در جنگ به این کشورها از مرز ۸۰ میلیارد دلار گذشت. اما با وجود این صف آرایی بین المللی، ج.ا.ا با رهبری های الهی و مقتدرانه حضرت امام خمینی(ره) و با وحدت و انسجام و اقتدار ملی توانست جنگ جهان علیه یک ملت را در عالی ترین و باشکوه ترین حماسه های تاریخی هدایت کند و سرانجام پیروز و مطمئن از چنین جنگی خارج شود.

**عوامل پیروزی ج.ا.ا در دفاع مقدس عبارتند از:**

۱- رهبری حکیمانه، الهی و مقتدرانه حضرت امام خمینی(ره) و شناخت عمیق ایشان نسبت به مفهوم قدرت و درک دقیق از روابط بین الملل؛ حضرت امام(ره) در جنگ بر همه جهان مدیریت کرد و همواره ابتکار عمل سیاسی را در اختیار خود داشت و این درایت و فرزانگی و حکمت در همه تصمیم های استراتژیک و حیاتی وی در جنگ حاکم بود.

۲- مردمی شدن جنگ که در آن قدرت نظامی از سطح نیروهای مسلح به یک سطح کاملاً ملی توسعه یافت. در واقع سطح قاعده هرم قدرت نظامی ما در جنگ به جای نیروهای مسلح به کل جامعه تبدیل شد و به این ترتیب تعادل سیستم ملی به عالی ترین سطح خود رسید.

عراق پس از عملیات بیت المقدس نه تنها به هدف خود نرسیده بود، بلکه دچار یک شکست عمده شده بود. بنابراین رژیم حاکم بر عراق با وجود رهبری، چالش طلب، ریسک پذیر، نامطمئن و دارای خصلت روانی هموپولتیکوس که یک نیاز و حیثیت و اعتبار مشخصی را با مصلحت عمومی پیوند می زند و آن را به عنوان یک خواست ملی منعکس می کند، هر آن احتمال حمله مجدد و سازمان یافته دیگری را با ترمیم نقاط ضعف خود متصور می کرد. کما این که پس از جنگ وقتی در تأمین اهداف استراتژیک خود از طریق تهاجم به ایران ناکام ماند، در اتخاذ یک استراتژی دیگری، حمله به کویت را برگزید.

تأثیر آزادسازی سرزمین های اشغالی در چند عملیات از ثامن الائمه(ع) تا بیت المقدس، برداشتن فشار روحی ـ روانی و فیزیک جنگ از ملت ایران و حذف تهدید عراق از تمامیت ارضی، استقلال و امنیت ملی جمهوری اسلامی بود، نه اعمال فشاری جدی و تعیین کننده و تحمیل یک تهدید عمده بر حاکمیت رژیم عراق. فشارها و تنش ها و تهدیدهای سیاسی، نظامی و روانی هنگامی به دشمن تحمیل شد که جنگ به خاک عراق کشیده شد.

از نقطه نظر مسائل روحی و روانی، در آن هنگام افکار عمومی ملت ایران و نیروهای مسلح پذیرای صلح و خاتمه جنگ نبود، توقف جنگ در آن زمان یک سؤال، ابهام و اعتراض اساسی و عمومی ملی را به دنبال داشت، با این محتوا که چرا با وجود این که امکان پیروزی های بزرگتر و تعقیب و تنبیه متجاوز و انتقام گیری از رژیم بعث وجود دارد، جنگ متوقف شده است و به این ترتیب هم جنگ و هم صلح به ابتکار صدام حسین در جریان است. افکار عمومی این سؤال را بدون پاسخ می یافت که اگر دزدی جنایتکار به منزل شما حمله ور شد و پس از قتل و غارت اموال و ریختن آبروی شما به زور از خانه فرار کرد شما فقط او را تا در خانه تعقیب می کنید، با وجود این که قادر هستید او را مجازات کنید و ضربات انتقامی بزرگتری به او وارد کنید.

> در ادامه جنگ، عراق از یک دنباله جهانی و منطقه ای برخوردار شد. بویژه هنگامی که جنگ به سرزمین عراق کشیده شد. حمایت قدرت های استکبار جهانی بویژه ایالات متحده آمریکا، اتحاد شوروی، اروپا و کشورهای منطقه از عراق آشکارتر و شدیدتر شد

چه کسی در تاریخ قادر بود به این سؤال در مقیاس ملی پاسخ دهد؟ ارزیابی جهان از رفتار ملت ایران در جنگ چه بود؟ ملت ما در آن صورت، به عنوان ملتی شناخته می شد که اگر سرزمین اش اشغال شود، نوامیس او مورد هتک حرمت قرار گیرد، سرمایه ها و منابع ملی اش منهدم شود و استقلالش در معرض تهدید قرار گیرد فقط تا مرزها با دشمن می جنگند. این ارزیابی جهان از ظرفیت و قابلیت مقاومت مردم ایران بود.

جنگ یک میراث فرهنگی، تاریخی و ملی است. رفتار هر ملت در جنگ به عنوان الگو و شاخصی برای نسل های آینده کشور و جهانیان تلقی می شود. جنگ صحنه ظهور و تجلی میزان مقاومت و شکوه یک ملت است.

* فرمانده نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
ستاد خبری بزرگداشت سوم خرداد